

*8th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle*



شاهنامه فردوسی؛ الگویی مناسب برای سبک زندگی در دنیای مدرن

گیلانی، نجم‌الدین،

استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد.

چکیده

شاهنامه‌ی فردوسی از آن دسته کتاب‌هایی است که پتانسیل الگوگیری برای سبک زندگی بشر مدرن را دارد. در این کتاب بیش از هر کتاب دیگری دستور، پند و راهکار برای بهینه شدن زندگی و استفاده از فرصت‌های زندگی آمده است. هنر فردوسی صرفاً سخن‌سرایی یا داستان‌سرایی نیست، بلکه هنر فردوسی ارائه‌ی اصول و راهکارهایی است که می‌توان با به‌کار بستن آنها زندگی هدفمند و آزادانه‌ای داشت که هر لحظه آن با معنی باشد. از جمله الگوهایی که فردوسی برای زندگی ارائه می‌دهد، یکی پایبندی به عهد و پیمان است. دیگر اینکه فردوسی به ما مشق آزادگی می‌دهد. علاوه بر این، فردوسی می‌آموزاند که با خرد در مقابل هر آنچه ممکن است به شادی و شادکامی ما لطمه بزند؛ جنگید. در شاهنامه از ده دیو نام برده شده که هر کدام برهم‌زننده‌ی آرامش انسان هستند. فردوسی بعد از معرفی ده دیو یا ده آفتِ زندگی؛ راهکار دفاع و مبارزه با آنها را نیز آورده است. در این پژوهش تلاش بر این است تا با استناد به شاهنامه‌ی فردوسی و به روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود که شاهنامه‌ی فردوسی چگونه می‌تواند الگویی مناسب برای زندگی مدرن باشد؟

واژگان کلیدی: شاهنامه فردوسی، سبک زندگی، دنیای مدرن، آرامش

8th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle



مقدمه

به باور بسیاری از صاحب‌نظران در فرهنگ و ادب ایران‌زمین، شاهنامه‌ی فردوسی علاوه بر جنبه‌های زیباشناسانه و هنری، در بطن خود بسیاری نکات فلسفی، علمی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، دینی، اخلاقی و... دارد که بسیار هنرمندانه، آگاهانه و مسؤولانه در دل اشعار جای گرفته‌اند. شاهنامه‌ی فردوسی علاوه بر آن که ترجمانی از تاریخ پرافتخار ایران و شناسنامه‌ای معتبر از پیشینه‌ی فرهنگ و ملت ماست، کارنامه‌ای روشن از تربیت و اخلاق و آیین‌های آرمان‌ها و مظاهر گوناگون زندگی ملتی است که از نخستین طلایه‌داران فضیلت و آزادگی در جهان است، چرا که در آن سوی جنگ‌ها و چکاچک شمشیرها و مرگامرگ پهلوانان، ستیزی دیگر در گیرودار است، ستیزی بی‌امان میان نیکی و بدی و حق و باطل، باشد تا نیرومندترین هنجارهای اخلاقی و تربیتی در ژرفای وجدان جامعه نشأت پذیرد (البرز، ۱۳۶۹: ۲۶). شاهنامه، جوان ایرانی را به حرکت می‌خواند (قیام کاوه)، توجه به ضعیفان و پرهیز از ستم به آنان خط فکری و اخلاقی شاهنامه است، سراسر شاهنامه راستی را گوشزد می‌کند (بهار، ۱۳۶۲: ۹۸). نقش آفرینان شاهنامه، آنان که در چشم روشن فردوسی به عنوان الگوی انسان کامل و نمونه‌ی ایرانی مد نظر بوده‌اند؛ همواره انسان‌هایی شریف و پاک‌اند. به عنوان نمونه رستم که نماد اصلی یک انسان رو به کمال ایرانی است، فردی است که به تربیت جسم خود توجه دارد (تربیت بدنی)، پاک است و بی‌گناه و بی‌گناه در پیش‌گاه خداوند یکتا کرنش می‌کند (تربیت دینی)، اندیشه‌ورز است و در مشکلات از خرد یاری می‌جوید (تربیت عقلانی) (فردوسی، ۱۳۸۵: ۵۸۲ و ۱۲۳۱). سیاوش، نماد شرم و پابندی به عهد و پیمان است. همچنین در شاهنامه به بیماری‌های روانی که برهم‌زننده‌ی آرامش هستند اشاره می‌کند و در پی آن راه درمان را نیز به بیمار روانی می‌نمایاند. در این مقاله تلاش بر این است تا با استناد به شاهنامه‌ی فردوسی به چند نمونه از ارزش‌های اخلاقی موجود در شاهنامه که می‌تواند الگوی مناسبی برای سبک زندگی بهتر بشر مدرن باشد، تحلیل شوند. الگوهایی مانند: پابندی به عهد و پیمان، آزادگی و شناسایی بیماری‌های روانی که برهم‌زننده آرامش هستند و راه مقابله با آنها در این مقاله بررسی شده‌اند.

۱. پابندی به عهد و پیمان

یکی از فضایل اخلاقی که در شاهنامه بارها به آن تأکید شده است، عهد و پیمان است. پابندی به عهد و پیمان از چنان جایگاهی برخوردار است که وقتی اسفندیار رستم را متهم به عهدشکنی می‌کند، از شدت شرم مثل بید بر خود می‌لرزد و به ماه و خورشید سوگند می‌خورد که او عهدشکنی نکرده است:

چو بشنید رستم غمی گشت سخت بلرزید برسان شاخ درخت

به جان و سر شاه سوگند خورد به خورشید و شمشیر و دشت نبرد

که من جنگ هرگز نفرموده‌ام کسی که چنین کرد نستوده‌ام

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۸۹۶).

علاوه بر این، داستان سیاوش نیز می‌تواند روحیه شرم و حیا، وفای به عهد و دینداری را به بشر دنیای مدرن که چندان در قید و بند عهد و پیمان نیست، بیاموزد. سیاوش یکی از بزرگترین و محبوب‌ترین قهرمانان و شخصیت‌های مهم حماسه ملی ایران است. نام او همواره در هاله‌ای از ویژگی‌های مهمی مانند: طهارت نفس، شرافت اخلاقی، پای بندی به اصول مردانگی، وفای به عهد و پیمان تا

8th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle



سر حد جان، مظلومیت، حسابگری و زیرکی، عالیتین نمونه جمال و کمال و عفت، نجیب و رام و آرام در مقابل تقدیر و سرنوشت، آرام ولی بزرگوار و بزرگ منش، در بر گرفته است (مینوی، ۱۳۵۴: ۶).

محمدعلی اسلامی ندوشن در این باره می‌گوید: «سیاوش عزیزترین پهلوان شاهنامه است. او نیز مانند ایرج به سبب خوبی سرشت خود، قربانی نبرد خیر و شر می‌گردد؛ گویی برای آنکه درخت خوبی از خشکیدن مصون بماند، باید گاه به گاه از خون یکی از بی‌گناه ترین و آراسته ترین فرزندان آدمی آبیاری شود» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۶: ۱۷۳).

وقتی سیاوش در مقابل وسوسه‌های نفسانی پایان ناپذیر سودابه قرار می‌گیرد، از شرم رخانش سرخ شده و پاسخ می‌دهد:

رخان سیاوش چو خون شد ز شرم / بیاراست مزگان به خوناب گرم

چنین گفت با دل که از کار دیو / مرا دور دارد کیوان خدیو

نه من با پدر بی وفایی کنم / نه با اهرمن آشنایی کنم

سیاوش بدو گفت هرگز مباد / که از بهر دل دین دهم من به باد

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۳۰۱).

در ادامه پس از اینکه سیاوش مجبور می‌شود از دربار پدر دور شود و به جنگ با افراسیاب برود، بنابر درخواست افراسیاب با او پیمان صلح می‌بندد، اما پدر از او می‌خواهد که عهد را بشکند و به جنگ خود ادامه دهد که ساوش قبول نمی‌کند. در واقع سیاوش حاضر می‌شود دل پدر را بشکند، ولی عهد خود را با دشمن نشکند. این خود یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های سیاوش است که حتی بر سر عهد و پیمان جان خود را از دست می‌دهد. اسلامی ندوشن در این باره می‌گوید:

«آنگاه که شاه ترکان پیشنهاد صلح می‌کند، بی درنگ می‌پذیرد، زیرا در ذات خود ضد جنگ است؛ با آنکه در سپاه توران هیچ کس از او دلیرتر نیست، حفظ پیمان برای او اهمیت حیاتی دارد» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۳: ۷۱).

در ادامه‌ی داستان وقتی کاووس از رستم درخواست می‌کند که سیاوش را وادار به عهدشکنی کند، رستم که خود سیاوش را پرورده است، پاسخ می‌دهد:

ز فرزند پیمان شکستن مخواه مکن آنچ نه اندر خورد با کلاه

نهانی چرا گفت باید سخن سیاوش ز پیمان نگردد ز بن

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۳۱۹).

**8th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle**



رستم سیاوش را می‌شناسد و می‌داند که او پیمان شکنی نخواهد کرد. اتفاقاً گمان رستم نیز به خطا نرفت و وقتی خبر به سیاوش رسید، پاسخ داد:

به نزدیک یزدان چه پوزش برم / بد آید ز کار پدر بر سرم

چنین داد پاسخ که فرمان شاه / بر آنم که برتر ز خورشید و ماه

ولیکن به فرمان یزدان دلیر / نباشد ز خاشاک تا پیل و شیر

کسی کو ز فرمان یزدان بتافت / سراسیمه شد، خویشتن را نیافت (فردوسی، ۱۳۸۵: ۳۲۱).

۲. آزادگی

یکی از درس‌هایی که در شاهنامه‌ی فردوسی بر آن تأکید می‌شود و می‌تواند الگویی مناسب برای زندگی باشد؛ درس شرف و آزادگی است. فردوسی ایرانی را آزاده و ایران را شهر آزادگان می‌نامد:

سیاوش نیم نر پری زادگان از ایرانم از شهر آزادگان

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۵۶۹).

یکی از مشهورترین داستان‌های شاهنامه، جنگ رستم و اسفندیار است. وقتی ریشه‌های این جنگ بررسی می‌شود، آشکار است که رستم به دلیل سرشت آزادگی خود حاضر نیست با بند همراه اسفندیار شود. رستم که عمری است با دلاوری‌ها و سخت‌ترین کشمکش‌ها، نام قهرمانی و جهان پهلوانی را برای خویش به دست آورده، در برابر درخواست اسفندیار به سر دادن راضی می‌شود، اما دست را به بند نمی‌دهد، زیرا ننگ را در پی دارد (موسوی، ۱۳۸۷: ۵۰):

یکی ننگ باشد مرا زین سخن که تا جاودانه نگردد کهن

ز گفتار تو رامش جان کنم ز من هر چه خواهی تو فرمان کنم

مگر بند کز بند عاری بود شکستی بود زشتکاری بود

نبیند مرا زنده با بند کس که روشن‌روانم بر این است و بس (فردوسی، ۱۳۸۵: ۸۷۹).

در جای جای شاهنامه می‌توان دعوت به آزادی و آزادگی را دید. حتی در پایان شاهنامه وقتی که مغیره از رستم فرخ‌هرمزد می‌خواهد که تسلیم شود، رستم برافروخته می‌شود و پاسخ می‌دهد:

بپیچید رستم ز گفتار اوئی بروه‌اش پرچین شد و زرد روی...

*8th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle*



بگویش که در جنگ مردن به نام به از زنده دشمن بدو شادکام

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۱۵۷۷).

۳. ده دیوی که برهم‌زننده آرامش‌اند

فردوسی از ده دیو نام می‌برد، که می‌توان آنها را بیماری‌های روانی دانست که به سعادت و آرامش انسان آسیب جدی می‌زنند. در یکی از نش‌ستها و بزم‌های انوشیروان با بزرگمهر، وزیر دانای انوشیروان از ده اهریمن نام می‌برد که جان و خرد را در چنگ خود می‌گیرند:

ده‌اند اهرمن هم به نیروی شیر	که آرند جان و خرد را به زیر
بدو گفت کسری که ده دیو چیست	کزیشان خرد را نباید گریست
چنین داد پاسخ که آز و نیاز	دو دیوند با زور و گردن فراز
دگر خشم و رشک است و ننگ است و کین	چو نماد و دوروی و ناپاک دین
دهم آنک از کس ندارد سپاس	به نیکی وهم نیست یزدان شناس

خسرو انوشیروان از بزرگمهر می‌پرسد که راه مبارزه با این ده دیو چیست؟:

ز دانا بپرسید پس شهریار	که چون دیو با دل کند کارزار
بینده چه دادست کیهان خدیو	که از کار کوتاه کند دست دیو
چنین داد پاسخ که دست خرد	ز کردار اهرمنان بگذرد
خرد باد جان تو را رهنمون	که راهی درازست پیش اندرون
ز شمشیر دیوان خرد جوشنست	دل و جان داننده زو روشنست

در واقع فردوسی خرد درمانی را پیشنهاد می‌دهد، همان‌طور که یالوم در کتاب «درمان شوپنهاور»، از «کتاب‌درمانی»، سخن به میان آورده است. در جای جای شاهنامه می‌توان چنین راهکارهایی را مشاهده کرد. به‌عنوان نمونه فردوسی در چند جا از پند درمانی سخن می‌گوید. یک‌جا در داستان بهرام چوبین از زبان او به خواهرش، گردیه می‌گوید:

کنون پند تو داروی جان بود وگر چه دل از درد پیچان بود...

همین‌طور وقتی که بهرام چوبین شورش می‌کند، خسرو پرویز به بهرام می‌گوید:

تو بیماری و پند داروی تست	بگویم تا تو شوی تن درست
وگر چیره شد بر دلت کام و رشک	سخن گوی تا دیگر آرم پزشک

*8th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle*



مگر از تاج از دلت بسترد

پزشک تو پندست و دارو خرد

نتیجه‌گیری

در این مقاله سه محور مهم که امروزه برای بشر مدرن چالشی بزرگ به حساب می‌آیند، بررسی شدند. محورهایی که می‌توانند الگوی مناسبی برای بهبود سبک زندگی بشر مدرن کارآمد باشند. محورهایی مانند: پایبندی به عهد و پیمان، آزادگی و ده دیوی که خرد و آسایش و آرامش بشر را برهم می‌زنند، در این مقاله تحلیل شدند. نگارنده معتقد است که بشر امروز بیش از هر زمان دیگری نیاز به آموزه‌های اصیل و سعادت‌بخشی که در شاهنامه آمده است دارد. چراکه امروزه ارزش‌هایی مانند: عهد و پیمان و آزادگی کم‌رنگ شده‌اند. انسان‌ها مادی‌گرا و ماشینی شده‌اند، حرص و آز و حسد و خشم و کین و رشک و ناسپاسی بر زندگی مردم سایه افکنده است. فردوسی ضمن آوردن این رذائل اخلاقی راه کار کارآمدی را پیشنهاد می‌دهد که در روانشناسی روز دنیا نیز بر آن تأکید می‌شود. فردوسی به پند درمانی و خرد درمانی اعتقاد دارد و معتقد است تنها از این راه می‌توان با دیوهای برهم‌زننده‌ی آرامش مبارزه کرد.

*8th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle*



منابع

اسلامی ندوشن، محمدعلی، (۱۳۷۳)، سرو سایه فکن، تهران: نشر آثار.

اسلامی ندوشن، محمدعلی، (۱۳۷۶)، زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، تهران: نشر آثار.

البرز، پرویز، (۱۳۶۹)، شکوه شاهنامه، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.

بهار، مهرداد، (۱۳۶۲)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: انتشارات توس.

فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۵)، شاهنامه، بر اساس نسخه‌ی ژول مول، تهران: الهام.

موسوی، کاظم، (۱۳۸۷)، آئین جنگ در شاهنامه، زائر/آستان مقدسه.

مینوی، مجتبی، (۱۳۵۴)، فردوسی و شعر او، تهران: انتشارات توس.

*8th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle*



Abstract

Ferdowsi Shahnameh is one of those books that has the potential to be a model for modern human lifestyle. In this book, more than any other book, there are instructions, tips and solutions to improve life and use life opportunities. Ferdowsi's art is not just rhetoric or storytelling, but Ferdowsi's art is the presentation of principles and solutions that can be applied to have a purposeful and free life that has meaning in every moment. One of the models that Ferdowsi offers for life is adherence to the covenant. Another is that Ferdowsi teaches us the lesson of freedom. In addition, Ferdowsi teaches that wisdom in the face of everything that may harm our happiness; fought. In Shahnameh, ten demons are mentioned, each of which disturbs human peace. Ferdowsi after introducing ten demons or ten plagues of life; It has also brought the solution of defending and fighting them. In this research, an attempt is made to answer the question of how the Ferdowsi Shahnameh can be a suitable model for modern life by referring to Ferdowsi's Shahnameh and in a descriptive-analytical method.

Keywords: Ferdowsi Shahnameh, lifestyle, modern world, tranquility